

سوال

در پاسخ سؤال (31807) خواندم: «یکی از نواقض دهگانه اسلام این است: هر کس چیزی را که پیامبر صلی الله علیه وسلم آورده است دشمن بدارد، حتی اگر به آن عمل کند، کافر شده است؛ به دلیل فرموده الله تعالی: {ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ فَاحْبَطُوا أَعْمَالَهُمْ} [محمد: ۹] (این بدان سبب است که آنان آنچه را خدا نازل کرده است خوش نداشتند، پس [خدا] کارهایشان را تباه کرد)... و در تمام این نواقض تفاوتی بین شوخیکننده، جدی و ترسان نیست، مگر کسی که مجبور شده باشد. و تمام این موارد از خطرناکترین و رایجترین اموری است که رخ می‌دهد. پس شایسته است که مسلمان از آنها برحذر باشد و بر خود بترسد...». بسیاری از زنان از چندهمسری بدشان می‌آید و این را در مجالس، چه به شوخی و چه جدی، ابراز می‌کنند. آیا این مورد جزو ارتداد محسوب می‌شود و بر آنان واجب است توبه کنند و غسل نمایند؟

پاسخ مفصل

الحمد لله.

اگر مسلمان به حکم خدا راضی باشد و در برابر آن تسلیم شود و آن را رد نکند و بر آن اعتراض ننماید، همین واجب است؛ و اگر نفس او طبیعتاً از انجام آن کار بدش بیاید، ضرری به او نمی‌رساند؛ مانند ناخشنودی نفس از جنگیدن (جهاد) در عین قبول و تسلیم در برابر حکم خدا. الله تعالی می‌فرماید: **كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ** [البقرة: ۲۱۶] (بر شما کارزار واجب شده است در حالی که برایتان ناگوار است. و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است، و الله می‌داند و شما نمی‌دانید).

و مثال دیگر: ناخشنودی زن از وجود رقیب (هو) برای خودش؛ این امری طبیعی است، زیرا [هو] در همسرش با او شریک می‌شود. اما میان «ناخشنودی از واجب کردن جنگ توسط خدا» و «ناخشنودی نفس از سختی جنگ»، و همچنین میان «ناخشنودی از قانون‌گذاری خدا برای چندهمسری» و «ناخشنودی نفس از وجود هو» تفاوت وجود دارد. پس آنچه را خدا واجب و تشریع کرده، باید به عنوان دین و مایه تقرب دوست داشت، هرچند انجام آن برای نفس ناگوار و سخت باشد. البته هر چه ایمان بنده کامل‌تر شود، این دشواری‌ها همان‌طور که شرعاً محبوب اوست، طبعاً نیز برایش محبوب می‌شود.

آنچه در نواقض اسلام ذکر شده، ناخشنودی از «آنچه خدا نازل کرده» و ناخشنودی از «تشریع و قانون‌گذاری او» است.

ابن قیم رحمه الله می‌گوید: «شرط رضایت این نیست که انسان درد و ناخشنودی درونی را حس نکند، بلکه شرطش این است که بر حکم اعتراض نکند و خشم نگیرد. به همین دلیل درک رضایت به امر ناگوار برای برخی دشوار آمده و در آن تردید کرده و گفته‌اند: این با طبیعت انسان سازگار نیست و تنها نامش صبر است [نه خشنودی]، وگرنه چگونه رضایت و کراهت که متضادند جمع می‌شوند؟

پاسخ درست این است که تناقضی میان آنها نیست و وجود درد و ناخشنودی نفس، با رضایت منافاتی ندارد؛ مانند رضایت بیمار به نوشیدن داروی بدمزه، رضایت روزه‌دار در روز بسیار گرم به درد گرسنگی و تشنگی، و رضایت مجاهد به زخم‌ها و دردهایی که در راه خدا به او می‌رسد». (مدارج السالکین: ۲/۱۷۵).

شیخ ابن عثیمین رحمه الله در توضیح این امر می‌گوید: «در فرموده **وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ** : کلمه کُرْه، مصدری است که در معنای اسم مفعول به کار رفته است؛ یعنی: آن چیز برای شما ناگوار (مکروه) است. کاربرد مصدر به معنای اسم مفعول [در زبان عربی] بسیار رایج است؛ مانند آیه **وَإِنْ كُنْ أُولَاتٍ حَمَلٍ** [الطلاق: ۶] که در آن حمل به معنای محمول (بار حمل‌شده) است. و همچنین سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که: «هر کس کاری کند که دستور ما بر آن نباشد، آن کار رد است»؛ یعنی مردود است.

جمله **وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ** حال است و ضمیر هُوَ به قتال (جنگیدن) برمی‌گردد، نه به کتابت (واجب شدن)؛ زیرا مسلمانان آنچه را خدا بر آنان واجب کرده است ناخوش نمی‌دارند، بلکه به مقتضای طبیعت بشری از جنگیدن بدشان می‌آید. تفاوت است میان اینکه گفته شود: ما از اینکه خدا جنگ را واجب کرده بدمان می‌آید، و اینکه گفته شود: ما از خود جنگ بدمان می‌آید. بنابراین بد آمدن از جنگ امری طبیعی است؛ زیرا انسان دوست ندارد با کسی بجنگد و او را بکشد یا خودش کشته شود. اما اگر این جنگ بر ما واجب شده باشد، از جهتی برایمان محبوب می‌شود و از جهتی دیگر ناگوار؛ به این اعتبار که خداوند آن را بر ما واجب کرده، محبوب ماست؛ و به همین دلیل بود که صحابه رضی الله عنهم نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌آمدند و اصرار می‌کردند که بجنگند. و به این اعتبار که نفس از آن گریزان است، برایمان ناگوار است».

سپس در فواید آیه می‌گوید: «از جمله فواید آیه: بر انسان گناهی نیست اگر از آنچه بر او مقرر شده کراهت داشته باشد؛ البته نه بد آمدن از جهت اینکه شارع (خداوند) به آن دستور داده، بلکه بد آمدن از جهت طبیعت بشری. اما از جهت اینکه شارع به آن دستور داده، واجب است که راضی باشد و سینه‌اش برای پذیرش آن گشاده باشد». (تفسیر قرآن ابن عثیمین).

ایشان رحمه الله در جای دیگری می‌فرماید: «... باید بدانید که ضمیر در {وَهُوَ} به جنگیدن برمی‌گردد نه به حکم وجوب؛ زیرا امکان ندارد صحابه رضی الله عنهم از فریضه خدا بدشان بیاید، اما از کشته شدن و جنگیدن بدشان می‌آمد. و تفاوت است میان اینکه انسان حکم خدا را ناخوش بدارد، یا اینکه محکوم به (آنچه حکم به آن تعلق گرفته، مثل جنگ) را ناخوش

بدارد». (مؤلفات الشیخ ابن عثیمین: ۲/۴۳۸).

خلاصه آنکه: بر زن مؤمن لازم است که به قانون چندهمسری که خدا تشریع کرده، راضی باشد و معتقد باشد که در آن حکمت و صلاح است و از این حکم و قانون بدش نیاید؛ هرچند نفسش از وجود هوویی که رقیب اوست بدش بیاید (مانند بد آمدن انسان از جنگ، و بد آمدن نفس از آنچه راحتی‌اش را برهم می‌زند مثل وضو با آب سرد برای نماز صبح یا روزه در گرمای شدید). بنده باید با محبتش به خدا و رضایت و تسلیمش در برابر شرع، بر این احساسِ نفسانی غلبه کند. به همین دلیل در حدیثی که بخاری (۶۴۸۷) و مسلم (۲۸۲۳) از انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده‌اند آمده است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «بهشت با ناگواری‌ها (سختی‌ها) پوشیده شده و دوزخ با شهوت‌ها».

نووی رحمه الله در شرح مسلم می‌گوید: «در دایره سختی‌ها (مکاره) این موارد جای می‌گیرند: تلاش و کوشش در عبادات، مداومت بر آن‌ها، صبر بر دشواری‌هایشان، فرو خوردن خشم، گذشت، بردباری، صدقه دادن، نیکی به کسی که بدی کرده، خویشنداری در برابر هوس‌ها و مانند آن».

و مانند فرموده پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که: «آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که خدا با آن خطایا را پاک می‌کند و درجات را بالا می‌برد؟» گفتند: بله ای رسول خدا. فرمودند: «کامل ساختن وضو در سختی‌ها، گام‌های بسیار به سوی مساجد و انتظار نماز بعد از نماز؛ این است مرزداری (رباط)». (صحیح مسلم: ۲۵۱).

نووی رحمه الله می‌گوید: «مکاره (سختی‌ها) شامل سرمای شدید، درد بدن و مانند آن می‌شود».

والله اعلم.